توسعه پایدار تحولی را توصیف می کند که نیازهای نسل فعلی را تأمین کند ، بدون آنکه امکان نسل های آینده را برای تأمین نیازهای آنها در معرض خطر قرار دهد و یا توزیع عادلانه ای از شانس های زندگی و استفاده از منابع در چارچوب عدالت.

امروزه این اصطلاح معمولاً به جنبه های اجتماعی ، اقتصادی و زیست محیطی پایداری اطلاق می شود و در مباحث سیاسی و علمی که در سطح بین المللی و فرامرزی برگزار می شد ، گنجانده میشود .

اصطلاح پایداری اولین بار در سال 1713 توسط هانس کارل فون کارلوویتز در رابطه با مدیریت جنگل ذکر شد. اصطلاح پایداری اولین بار در سال 1952 در کل اقتصاد به کار گرفته شد. بعدها اصطلاح پایداری را خود را به درون محافل بین المللی پیدا کرد.

اصطلاح توسعه پایدار - بنابر معنای جدید آن - اولین بار در استراتژی حفاظت جهانی منتشر شده در سال 1980 و مطالعه جهانی 2000 ظاهر شد.

جدا از چند استفاده قبلی ، معنای فعلی اصطلاح توسعه پایدار اغلب برای آشتی دادن اهداف متضاد بین حفاظت از محیط زیست و توسعه (رشد اقتصادی ) به کار میرود. از آن زمان این واژه محبوبیت زیادی پیدا کرده و به واسطه استفاده از آن در سیاست ، علم ، تجارت و جامعه مدنی به معانی مختلفی به کار برده شده است. با ایجاد تمرکز جدید در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد که در سال 1992 در ریودوژانیرو برگزار شد ، تغییر اساسی در معنای آن حاصل شد. این مفهوم از طریق استفاده گفتمانی آن به یک مفهوم عمدتاً تکنوکراتیک توسعه داده شد که دلالت بر تلاش جهت حل مشکلات زیست محیطی عمدتاً مبتنی بر فناوری یا منطق علمی دارد. علاوه بر این ، در حال حاضر آثاری وجود دارد که به طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار می گیرد که معنای تجربی توسعه پایدار و پایداری برای بخش های مختلف جامعه ما (سیاست،علم،اقتصاد، تکنولوژی،...) است.

. 